

متانت و تشخیص جای نُغز خوانی را می گیرد

آوازهایی در باران - ۶: چنگیز جلیوند به جای ریچارد برتون

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم ویژه نامه روز ملی سینما

زمان انتشار : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۸۵

بگذارید اعترافی بکنم. با آن که جلیلود در اغلب نقش های معروف و مهم ریچارد برتون، از فیلم های جنگی تا جاسوسی تا تاریخی تا ملودرام تا شکسپیری، به جای او حرف زده، الآن فقط کار خیره کننده اش در دوبله ی چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد؟ (مایک نیکولز، ۱۹۶۶) با مدیریت دوبلاژ استاد ابوالحسن تهامی را درست و باجزئیات به یاد دارم و این یادداشت هم طبعاً به همین یکی متکی است. ولی اصلاً از این ماجرا احساس «کم گذاشتن» بهم دست نمی دهد. چون حتی اگر همین یک فیلم را ببینیم و تشخص و جدیت و تفاوت های پرخاش عصبی و روشنفکرانه ی شخصیت جورج (برتون) را با لات بازی ها و لغزخوانی های دوبله های مشهور دیگر جلیلود، از براندو گرفته تا فردین و ملک مطیعی خودمان مقایسه کنیم، به قدر کافی مجبور به ستایش کار او خواهیم بود.

راستی چه طور این همان صداست؟! وقتی جورج متلک های همسرش مارتا (الیزابت تیلور، با صدای ژاله کاظمی) را با آن لحن هم وقیح و هم خوددار جواب می دهد، مثلاً آن جا که تکرار می کند «ناپدید شو مارتا؛ ناپدید شو!»، شاید آدم راحت باورش شود که این صدای شیک و صاف و متین و بی خَش داود نماینده یا ناصر ممدوح یا غلامعلی افشاریه است که ناگهان از سابقه ی طولانی و معتبرش در گویندگی متن مستندها، از اتاق دوبلاژ این فیلم سر در آورده و دارد اعجاز می کند. ولی باور این که این صدای همان کسی است که بی قیدی و ولنگاری نقش های کوالسکی وار براندو و پل نیومن و دیگران را می گفت، عجیب و حتی باورناپذیر است.

وقتی با خود جلیلود حرف می زنید، تونالیتته ی صدایش اتفاقاً به همین جنس و شکلی که جای برتون حرف می زد، نزدیک تر است؛ اما نوعی راحتی و تأکید نکردن بر روی حروف مشدد در طرز حرف زدنش هست که به همان دوبله ی به اصطلاح متدیستی براندو و پیروانش شباهت دارد. ولی چیزی که در دوبله ی برتون به عنوان یک شگرد بیانی به کار رفته و طبعاً در خود جلیلود و در زندگی عادی اش نشانی از آن نمی یابید، کش آوردن ها و لحن عوض کردن هایش است. باید فضا و اهمیت «بازی» کردن و ادا در آوردن را در زندگی زناشویی جنون آمیز و نمونه ای جورج و مارتای فیلم نیکولز، خوب شناخته باشید تا بدانید این لَوندی

های صوتی در کار جلیلوند، چه قدر مؤثر و حیاتی است. اگر قول بدهید که این مثال را با تجسم صدای جلیلوند بخوانید، یکی از اوج هایش را برایتان می گویم: مارتا که با هانی (سندی دنیس، با صدای بدری نوراللهی) به طبقه ی بالا رفته، در جواب جورج که صدایش زده، عربده ای می کشد که «چه مرگته؟» بعد، جورج با صدای تغییرلحن یافته ی جلیلوند، بی آن که به شوهر هانی (جورج سگال، با صدای جلال مقامی) نگاه کند، کلمات را کش می آورد و آرام و با طعنه به فریاد مارتا، می گوید: «صداش ملکوتی نیست؟! ولی من همین را بی طعنه، درباره ی خودش می پرسم: واقعاً صدایش ملکوتی نیست؟»